

کوردستان

ارگان حبی مەڵکە کوردستانێ ئێران

تأمین حقوق ملی خلق کره در چهارچوب ایرانی دموکراتیک و فدرال

شماره ۸۰۸ پنجشنبه ۱۵ مهر ۱۴۰۰، ۷ اکتبر ۲۰۲۱

۲ . کاک «آکام دریایی» پیشمرگه کوردستان به کاروان شهیدان پیوست

۲ . دوره ۲۵۲ مقدماتی پیشمرگه کوردستان به اتمام رسید

۳ . تروریست «محمد پاکپور» حکومت اقلیم کوردستان را تهدید به حمله نظامی کرد

www.kurdistanmedia.com



وحشت رژیم ایران از توان مبارزه ملت کورد



همه وسایل و مواد در جهان تاریخ انقضای مشخصی دارند و با سپری شدن مدت زمانشان، تاثیرات و کارایی خود را از دست می‌دهند. در بین همه اشیا به ویژه دارو و درمان که موجب بهبود سلامت انسان می‌شوند، اگر تاریخ مصرفشان به سر رسد و منقضی شوند، دیگر نه تنها تاثیری در بهبود سلامت ندارند بلکه همچون زهر کشنده‌ای جسم انسان را ویران خواهند کرد.

ایدئولوژی و افکار نیز همچون دارو و درمان اگر تاریخشان به سر رسد، به زهری کشنده برای ذهن و افکار انسان‌ها مبدل می‌شوند. در ایران بعد از ساقط شدن حاکمیت قاجارها، سیستمی ایدئولوژی کلونیالیستی تاسیس شد که با ظهور خمینی، لایه‌ای دیگر بر آن افزوده شده و تاکنون این ایدئولوژی بر ایران حاکم است.

اخیرا اتفاقاتی دودوریر ایران رخ داده که کاملاً نشان دهنده به پایان رسیدن ایدئولوژی حاکم بر تهران است که همچون زهری سیستم رژیم را از بین برده و مردم ایران را نیز دچار درد و رنج بسیار خواهد کرد.

در چند دهه گذشته، جمهوری اسلامی سیاست خود را بر دو مبنا قرار داده و گفت‌وگویش از آن نشأت می‌گرفت: نخست صدور انقلاب و اشاعه سیستم ولایت فقیه است که با تحریک و حمایت از گروه‌های توندرو شیعه در منطقه به اجرا در می‌آورد، دوما اندیشه ایران‌شهری که حوزه جغرافیایی فرهنگی را برای افکار وهمی تحت عنوان ملت ایران قرا داده و در حقیقت به دنبال آن هستند که همه منطقه را همچون دوران زمامداری هخامنشی تحت حاکمیت سید علی هخامنشی درآورد!

ادامه در صفحه ۳

مردم است. جریانی که نه به مانند سال ۱۳۵۷ بلکه در اساس هیچ ارزشی را برای رژیم قایل نیستند. واضح است اگر در دهه گذشته بسیاری در انتظار بودند که نیرویی خارجی مثلاً آمریکا بیايد و رژیم ایران را از بین ببرد و به تاج و تخت برسند تغییرات سال‌های گذشته در منطقه و جهان است. مردم نیز به این سطح از آگاهی رسیده‌اند که تنها راه سرنگونی رژیم ایران دل بستن به واشنگتن و بروکسل نیست بلکه خیابان‌های تهران، اصفهان، سته و کرمانشان و بیش از همه خیابان‌های کوردستان و ایران است. خلاصه اینکه رژیم ایران سرنگون نخواهد شد مگر با نیروی مردم!

در شار و شاخ، اعتراضات و تحسین‌های قشر و طبقات مختلف مردم کوردستان و امیدواری به آینده برای تغییر بنیادی در جغرافیای ایران، درک و فهم سیاسی مردم کوردستان ایران برای خنثی کردن سیاست‌های رژیم ایران بویژه بعد از راسان رژیم را سراسیمه کرده است. رژیم از توانایی کوردستان در ارعاب است چرا که می‌داند حضور همیشه در صحنه مردم کوردستان در نهایت به الگویی برای منطقه و در داخل ایران تبدیل خواهد شد و ۴۲ سال تلاش آنها به هیچ منجر خواهد شد. رژیم خود آگاه به این است آنچه امروز در خیابان‌های کوردستان و ایران در جریان است نشانه آگاهی

مقرات نیروی پیشمرگه کوردستان حمله کرد. در ادامه تهدیدات سران نظامی رژیم ایران پاسدار رژیم ایران یحیی رحیم صفوی مشاور خامنه‌ای گفته بود نباید هیچ نیروی مسلحی علیه ما در منطقه بویژه اقلیم کوردستان باشد و ما نیز این موضوع را به مسئولان عراق تذکر داده‌ایم. این موارد تنها شماری از تهدیدها بود و در گوشه و کنار نیز اجیران رژیم ایران با شایعه‌پراکنی احزاب کورد را تهدید می‌کردند. همه این موارد نشان از رعب و وحشت رژیم ایران از ملت کوردستان است. رژیم ایران از وحشت مبارزه هراسان است. ترسی که نتوانسته است آن را پرده‌پوش کند و همیشه با آن زیسته است. فعالیت نیروی پیشمرگه کوردستان

پاسدار تروریست «محمد پاکپور» فرمانده نیروی زمینی سپاه پاسداران رژیم ایران در گردهمایی با جاش و مزدوران رژیم خود؛ حکومت اقلیم کوردستان را تهدید به حمله نظامی کرد. این پاسدار تروریست در این گردهمایی ترس و خوف خود از مبارزات احزاب کورد بروز داده و آنان را به نابودی مقراتشان تهدید کرده است. این تروریست رژیم ایران در این گردهمایی همچنین از دست داشتنش در قتل و عام مردم مدنی در شهر «سنه» و دیگر شهرهای کوردستان در سال ۱۳۵۸ پرده برداشته است. در تاریخ ۱۸ شهریور ماه ۱۴۰۰ سپاه تروریست پاسداران رژیم ایران، با توپ، کاتیوشا و پهپادهای انتحاری به خاک و

در اواخر شهریورماه امسال بعد از چند روز حمله نظامی پیاپی سپاه پاسداران به خاک کوردستان عراق به بهانه حضور احزاب مخالف رژیم که موجب ناامنی منطقه شد باری دیگر سران عالی رتبه نظامی رژیم شروع به تهدید کردند. مورخ ۲۸ شهریورماه رئیس ستاد کل نیروهای مسلح رژیم ایران احزاب مخالف رژیم را تهدید کرد. «محمد حسین باقری» در مصاحبه با تسنیم اذعان کرده بود که احزاب کورد طی چند سال گذشته بزرگتر و توانمندتر شده و امنیت ما را به خطر انداخته‌اند. وی گفته بود ما هیچ تحرکی از آنان را قبول نداریم و اینکه در اقلیم کوردستان ساکن هستند می‌توانیم آنها را از بین ببریم.

کاک «آکام دریایی» پیشمرگه کوردستان به کاروان شهیدان پیوست



ملحق و در سنگرهای پیشمرگان کوردستان برای احقاق حقوق ملی - دموکراتیک ملتش فداکارانه مبارزه کرد.

بعد از اتمام دوره مقدماتی پیشمرگه کوردستان در نیروی «ویژه» حزب دمکرات به مبارزات خود ادامه داد.

وی در سال ۱۳۹۷ در نیروی ۱۲۹ پیشمرگه کوردستان سازماندهی و تا لحظه شهادتش پیگیرانه وظایف حزبی خود را انجام دادند. شهید «آکام دریایی» بعد از ظهر جمعه ۹ مهر بر اثر سانحه‌ای جگرسوز جان خود را از دست داد و به شهادت رسید.

حزب دمکرات کوردستان ایران مراتب تسلیت خود را به خانواده، دوستان و همسنگران شهید عرض می‌نماید.

روز جمعه ۹ مهر ۱۴۰۰ کاک «آکام دریایی» پیشمرگه نیروی پیشمرگه کوردستان به علت سانحه‌ای جگرسوز به کاروان شهیدان کوردستان پیوست.

شهید «آکام دریایی» سال ۱۳۷۴ خورشیدی در شهر «شنو» از توابع استان «ارومیه» چشم به جهان گشود.

وی بر اساس این گفته که جوانان دینامیک انقلاب برای رهایی ملت خود هستد به شیوه‌ای سازمان یافته به صفوف مبارزات پیوست.

در سال ۱۳۹۳ به عضویت شانه‌های تشکیلات مخفی حزب در داخل کوردستان درآمدند و در راستای اهداف و آرمان‌های ملتش فداکاری‌های بسیاری کردند.

شهید «آکام» سال ۱۳۹۵ خورشیدی به صفوف مبارزاتی حزب دمکرات کوردستان ایران

پیکر شهید «آکام دریایی» به خاک پاک کوردستان سپرده شد

«آکام دریایی» در مدت زمانی که پیشمرگ هبود چندین بار برای انجام ماموریت حزبی به کوردستان ایران بازگشت و تمام ماموریت‌هایش را با موفقیت انجام داد.

شهید «آکام دریایی» شخصیتی وارسته و با جرات داشت که در سخت‌ترین شرایط دشمن را به زانو درمی‌آورد و امید و روحیه‌ای غیر قابل توصیف به جوانان می‌بخشید. متأسفانه دست قضا کاک «آکام دریایی» از بهترین فرزندان کوردستان را از ما گرفت و به کاروان شهیدان پیوست و سنگر مبارزه را برای همسنگران بر جای گذاشت.

در این مراسم با راه و هدف شهید «آکام دریایی» و تمامی شهیدان کوردستان تجدید میثاق شد.

روز جمعه ۹ مهرماه ۱۴۰۰، کاک «آکام دریایی» پیشمرگه نیروی پیشمرگه کوردستان در یک حادثه جگرسوز جان خود را از دست داد و به کاروان شهیدان کوردستان پیوست.

شهید «آکام دریایی» پس از آغاز فصل جدید مبارزات حزب دمکرات کوردستان ایران، در کوردستان ایران فعالیت خود را شروع و در سال ۱۳۹۵ به صورت رسمی به نیروی پیشمرگه کوردستان ملحق و تفنگ شرافت و دفاع از کوردستان را به دست گرفت.

بعدازظهر روز شنبه ۱۰ مهرماه ۱۴۰۰ پیکر شهید «آکام دریایی» با حضور خانواده شهید، شماری از اعضای رهبری، فرماندهان نظامی، کادر، پیشمرگه و میهمانان در قبرستان شهیدان در «جزئیگان» به خاک پاک کوردستان سپرده شد.

پس از خاکسپاری پیکر این پیشمرگه قهرمان، مراسم ختمی در سالن مراسمات «جزئیگان» با حضور خانواده شهید و شماری اعضای رهبری، مسئولان ستاد فرمانده نیروی پیشمرگه کوردستان، فرماندهان نظامی، کادر، پیشمرگه و میهمانان برگزار شد.



دوره ۲۵۲ مقدماتی پیشمرگه کوردستان به اتمام رسید



مراسم با سرود ملی «ای رقیب» و یک دقیقه سکوت به احترام خون شهیدان کورد و کوردستان آغاز شد.

در ادامه «مختار سهرابی» مسئول آموزشگاه دستگاه فرماندهی نیروی پیشمرگ کوردستان پیام ویژه مراسم اختتامیه دوره ۲۵۲ مقدماتی پیشمرگ کوردستان را قرائت کردند.

در بخش دیگر مراسم «فریاد درودی» یکی از مربیان آموزشگاه نیروی پیشمرگ کوردستان، گزارش آموزشی دوره ۲۵۲ مقدماتی را برای حضار قرائت کرد.

مراسم با اهدای جوایز به شرکت‌کننده‌گانی که موفق به کسب بیشترین نمرات شده بودند به پایان رسید.

دوره ۲۵۲ مقدماتی پیشمرگه کوردستان در کوهستان‌های کوردستان طی مراسمی به اتمام رسید و شماری از دختران و پسران آزادیخواه کورد به صفوف مبارزان حزب دمکرات کوردستان ایران پیوستند.

بر اساس گزارش خبرنگار وب سایت «کوردستان میدیا» در کوهستان‌های کوردستان، روز یک‌شنبه مورخ ۱۱ مهر ۱۴۰۰، خورشیدی، دوره مقدماتی پیشمرگه کوردستان برگزار و شماری از جوانان انقلابی کوردستان به صفوف مبارزان نیروی پیشمرگ کوردستان پیوستند.

این مراسم با حضور برخی از اعضای رهبری، فرماندهان نظامی، کادر و پیشمرگان کوردستان برگزار شد.

تروریست «محمد پاکپور» حکومت اقلیم کوردستان را تهدید به حمله نظامی کرد

رژیم ایران در کوردستان اقدام به گسترش سایت‌های موشکی کرده است



پاسدار تروریست «محمد پاکپور» فرمانده نیروی زمینی سپاه پاسداران رژیم ایران در گردهمایی

با جاش و مزدوران رژیم خود؛ حکومت اقلیم کوردستان را تهدید به حمله نظامی کرد.

این پاسدار تروریست در این گردهمایی ترس و خوف خود از مبارزات احزاب کورد بروز داده و آنان را به نابودی مقراتشان تهدید کرده است.

این تروریست رژیم ایران در این گردهمایی همچنین از دست داشتنش در قتل و عام مردم مدنی

در شهر «سنه» و دیگر شهرهای کوردستان در سال ۱۳۵۸ پرده برداشته است.

در تاریخ ۱۸ شهریور ماه ۱۴۰۰ سپاه تروریست پاسداران رژیم ایران، با توپ، کاتیوشا و پهپادهای انتحاری به خاک و مقرات نیروی پیشمرگه کوردستان حمله کرد.

در این حملات نیروی پیشمرگه کوردستان توانست چهار پهپاد سپاه تروریست پاسداران را منهدم کند.

ادامه سخن

در افغانستان حکومت ساقط شد و طالبان تندرو سنی مذهب حاکمیت را به دست گرفت و علیه قوم دری که افراس ریشه‌هایشان به آنجا برمی‌گردد و بعدها به جغرافیای ایران هجوم آوردند و نیز علیه شیعیان و هزاره‌ها خواهد بود، همچنانکه پیشتر نیز علیه آنها دست به کشتار زده بود.

از سوی دیگر آذربایجان شیعه که پیشتر بخشی از ایران‌شهر خیالی افراس بود! به جبهه ترکیه پیوسته و به تهدیدی علیه ایران تبدیل شده است!

در این تفاقات اخیر، جمهوری اسلامی اگر طبق ایدئولوژی و اندیشه‌های آیینی خود برخورد می‌کرد، می‌بایستی هم از آذربایجان علیه ارمنستان حمایت می‌کرد و از سوی دیگر آذربایجان شیعه نیز همسو با ترکیه سنی مذهب نمی‌شد و از شیعه‌های افغانستان حمایت و بر ضد طالبان می‌جنگید! اگر هم بر اساس افکار توحمی ایران‌شهری نیز می‌بود ایران بایستی با ترکیه می‌جنگید تا بلکه آذربایجان را به جغرافیای ایران‌شهری خود باز می‌گرداندند!! از طرف دیگر با حمایت از تاجیک و دری‌ها، در مقابل پشتون‌ها می‌ایستادند!

اما به دلیل پایان یافتن تاریخ مصرف ایدئولوژی‌های جمهوری اسلامی و فاسد شدنشان نه تنها هیچ کمکی به رژیم نمی‌کنند بلکه به زهر کشنده‌ای برای خودشان نیز تبدیل شدند. ایران در افغانستان از طالبان حمایت کرد و در آذربایجان نیز با شکستی که خورد مسیر ترانزیتش را با اروپا از دست داد و بالاجبار به روسیه پناه برده بلکه از طریق آب‌های خزر راهی را برایش باز کند!

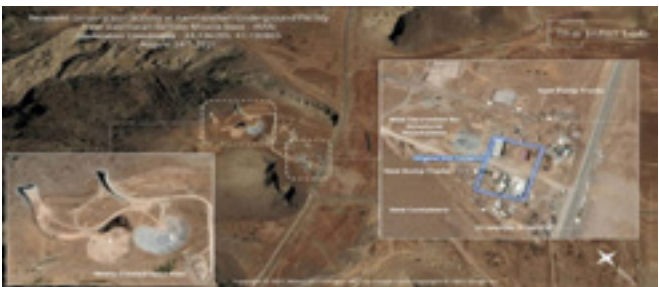
ایدئولوژی فاسد شده ولایت فقیه و ایران‌شهری نه تنها توان مدیریت کشور را نداشته، بلکه در منطقه نیز قادر به سیاست‌گذاری روشن برای رژیم نبوده و برعکس اهدافشان عمل می‌کنند! رژیم نه توان حمایت از شیعیان را دارد و نه قادر به حمایت از دری‌ها است که ریشه افراس به آن‌ها برمی‌گردند، نه می‌تواند علیه توران برای برگرداندن آذربایجان تقلائی بکند!!

ایدئولوژی تاریخ مصرف گذشته همچون زهری عمل می‌کند و اکنون دربار خامنه‌ای به مثابه دربار شاهان قاجار به دفتر رفت و آمد روس‌ها تبدیل شده است! سید علی خامنه‌ای رویای تبدیل شدن به داریوش هخامنشی را در سر می‌پروراند اما برعکس به محمد علی شاه قاجار مبدل شد!

موشکی «ام‌آی‌ام-۲۳ هاوک» و سامانه موشکی زمین به هوای «اس-۷۵ دوینا» از این مرکز عملیاتی محافظت می‌کند. رژیم ایران با استخراج منابع کوردستان نه تنها زمینه رفاه و آسایش مردم کوردستان را فراهم نکرده بلکه سرمایه این ملت صرف خرید تسلیحات سنگین نظامی و خاکشان را به پادگانی تبدیل کرده است که جز فقر و فلاکت چیزی برای ملت کورد به دنبال نداشته است.

از ابتدای اوت تا ۲۵ سپتامبر سال جاری نشان داده است. این موسسه تحقیقاتی پیش‌تر طرح‌های سه بعدی احتمالی از این سازه را نیز منتشر کرده بود. سازمان «اِپتکار» درباره تهدیدات هسته‌ای رژیم جمهوری اسلامی ایران اعلام کرده است، که این رژیم در کوردستان سه پایگاه موشکی ایجاد کرده است که پایگاه موشکی «باختران» در کرماشان، یکی از حساس‌ترین این پایگاه‌ها می‌باشد. رژیم ایران با استفاده از سامانه

خبر داده است. این موسسه تحقیقاتی پیش‌تر از احداث دو تونل بین ماه‌های ژانویه و سپتامبر سال گذشته در این مرکز اطلاع داده بود. بر اساس گزارش این موسسه تحقیقاتی، ساخت و ساز در این سایت نظامی رژیم ایران به مدت هفت ماه متوقف شده بود تا این که از ابتدای ماه اوت عملیات حفاری تونل‌ها از سر گرفته شد. «اینتل لب» در یک ویدیو از تصاویر ماهواره‌ای، روند تغییرات در این سایت نظامی رژیم ایران را



تصاویر ماهواره‌ای «اینتل لب» نشان می‌دهند رژیم ایران در حال گسترش فعالیت‌های ساختمانی در تاسیسات زیرزمینی کرماشان در نزدیکی پایگاه موشکی بالستیکی باختران است. پی‌های این سازه توسط رژیم ایران

بهمن قبادی: آکادمی اسکار آثار فیلمسازان پناهنده را پذیرا باشد



«بهمن قبادی»، کارگردان نام‌آشنای کورد در نامه‌ای به «آکادمی اسکار» خواستار پذیرش آثار فیلمسازان پناهنده به این آکادمی و معرفی برای جوایز اسکار شد.

«قبادی» در نامه خود به آکادمی اسکار نوشته است ما سینماگرانی هستیم بدون سرزمین! در واقع، در نقاطی از جهان زندگی می‌کنیم که وطن اصلی ما سرزمینی نیست که در آن به دنیا آمده‌ایم در حالی که جهان، هویت و نام ما را با نام سرزمین مادری‌مان می‌شناسد و ما در آن سرزمین نمی‌توانیم آزادانه کار کنیم.

این کارگردان برجسته کورد در نامه خود از قوانین آکادمی علوم و هنرهای سینمای آمریکا انتقاد کرده است که فقط به فیلم‌هایی اجازه رقابت در جوایز اسکار را می‌دهد که کشورها به طور رسمی آن را معرفی کرده باشند.

«قبادی» همچنین آورده است آثار سینماگران شجاعی که به سانسور دولتی و فشارهای حکومت‌های خودکامه خود نه می‌گویند، نه تنها در کشور مادری خود سانسور و توقیف می‌شود، بلکه حتی از سوی نهادهای دولتی و مرتبط نیز هرگز اجازه معرفی به آکادمی را پیدا نمی‌کنند. «بهمن قبادی»، سازنده فیلم‌های «زمانی برای مستی اسب‌ها»، «تخت سیاه»، «آوازهای سرزمین مادری» و ... می‌باشد و موفق شده جوایزی چون، خرس شیشه‌ای و جایزه فیلم صلح جشنواره فیلم برلین در سال ۲۰۰۵ و دوربین طلایی جشنواره کن در سال ۲۰۰۰ را از آن خود کند.



سال ۲۰۰۵ عراق فدرال، نفت به عنوان ثروت ملی کشور قلمداد و حکومت اقلیم کوردستان نیز با توافق «بغداد» بخش اعظم از نفت خود را صادر می‌کند.

به سوخت روسیه و ایران، استراتژی بلند مدتی را با اقلیم کوردستان امضا کرده و سوخت خود را از اقلیم تامین می‌کند. بر اساس قانون اساسی مصوب

مقامات حکومت اقلیم کوردستان ظرف چند سال گذشته روابط بازرگانی گسترده‌ای با ترکیه داشته و رژیم ایران نیز نگران از این سطح بالای بازرگانی است. رژیم ایران با اعتراض به سطح بالای بازرگانی مابین اقلیم کوردستان و ترکیه از آن به عنوان نقض حاکمیت عراق یاد کرده است.

ترکیه چندین قرارداد استراتژی با اقلیم کوردستان دارد که یکی از مهمترین آن، ارسال نفت اقلیم از طریق بندر «جهان» ترکیه به بازارهای جهانی است. ترکیه در راستای عدم وابستگی

رژیم ایران مجوز تخریب برخی از منازل مسکونی در «بوکان» را صادر کرده است

و محل کسب و کار شهروندان بوکانی به بهانه عدم اخذ مجوز ساخت در حالی است که برخی از این منازل تخریب شده دارای مجوز ساخت از شهرداری رژیم بوده‌اند. در این گزارش رسیده به وسایت «کوردستان میدیا» آمده است ساکنان منطقه «میراوا» در شهر بوکان تهی دست و فقیر بوده و به همین دلیل از ترس بازداشت و شکنجه نیروهای امنیتی رژیم ایران ناچار به سکوت شده‌اند.

مستولان شهرداری رژیم در شهر بوکان به همین بهانه با پشتیبانی فرماندار و نیروی سرکوبگر شبانه اقدام به تخریب برخی خانه‌های شهروندان در این منطقه کرده‌اند. این اقدام ضد بشری رژیم ایران در شهر بوکان در حالی است که مردم به دلیل گرانی بی سابقه مصالح توانایی ساخت یک واحد مسکونی ۵۰ متری را نیز ندارند. بر اساس گزارش رسیده به وسایت «کوردستان میدیا» تخریب منازل



ماموران شهرداری رژیم در منطقه «میراوا» در شهر بوکان به بهانه عدم اخذ مجوز ساخت خانه مسکونی اقدام به تخریب منازل و محل کسب و کار مردم کرده‌اند.

اراده معطوف به مقابله با سرکوب (تغییر رویکرد از مقاومت به مقابله)

آگری اسماعیل‌نژاد

مبارزات کوردستان بعد از فتوای خمینی که هم مرجعیت دینی داشت و هم به‌کاریزمای پوپولیسم انقلابی تبدیل شده بود، گفتمان ملی_دمکراتیک خود را که زیر بنای آن ”حق تعیین سرنوشت“ بود، با رویکرد مقاومت پیگیری کردند.

در این میان بخشی از مبارزان تلاش کردند، رویکرد مقاومت را خارج از چهارچوب نظام تازه بدوران رسیده جمهوری اسلامی تعریف کنند و بعضی نیز تلاش نمودند، در همان چهارچوب این رویکرد را تعریف نمایند.

گروه اول بر اساس اصل دفاع مشروع، علیرغم میل باطنی و برای مقاومت در برابر هجومهای که به کوردستان می‌شد، اسلحه در دست گرفتند و به همین سبب رویه آنها به اشتباه به مبارزات مسلحانه مرسوم گردید، در حالی که در واقع مقاومت مسلحانه بود. چرایی اشتباه در نامگذاری مقاومت مسلحانه به مبارزات مسلحانه در این است که بکارگیری اسلحه هیچگاه به استراتژی گروههای سیاسی تبدیل نشده و این گروهها هرچند اسلحه در دست داشتند، اما کاربرد آن اسلحه تنها برای مقاومت و به منزله تاکتیکی برای واداشتن رژیم به مذاکره بود.

در این میان جریانات و احزاب کوردستانی محدودیتی دیگر هم برای کاربرد اسلحه قائل بودند و این محدودیت مربوط به تعیین حدودی بود که تنها در تقابل با آنها اسلحه بکارگرفته می‌شود. جریان مقاومت کوردستان اسلحه را تنها خطاب به بخش رویین عوامل سرکوب جامعه کوردستان بکار میبردند(رویین به مفهوم عوامل ظاهر که مستقیما در سرکوب حضور دارند)؛ بدین مفهوم که آنها تنها افراد و سازمانهای امنیتی که مستقیما در سرکوب دست داشتند، جامعه هدف سلاح خود میپندارند، و در این میان بخش زیرین و نرم افزاری سرکوب که بخش رویین، قدرت و برنامه خود را از آن میگیرد، در سیبل مبارزات موسوم به مسلحانه حضوری ندارد و اسلحه مبارزات رو به این بخش شلیک نشده است. بخش زیرین به عواملی اطلاق میشود که به شیوه غیرمستقیم در سرکوب دست دارند ،آنها طراحان استراتژیک برنامه‌ی سرکوب و هدایتگران اصلی بخش رویین و همچنین تامین کنندگان هزینه‌های مورد نیاز بخش رویین هستند.

البته مقاومت مسلحانه چون از خواستگاه اجتماعی بالای هم برخوردار بود، ناچارا ملزم به رعایت

موضوعاتی مانند عدم درگیری در داخل مناطق مسکونی، عدم درگیری در نزدیکی خرمن‌های مردم که در بسیاری از موارد سپاه پایگاه خود را در همان مناطق احداث می‌کرد و همزمان باید در سرکوب خائنین کورد نیز بسیار هوشمندانه عمل می‌کردند که همگی این موضوعات توسط سپاه به عنوان یک نقطه ضعف مقاومت مسلحانه از آن استفاده می‌شود.

همین مسئله سبب شده بود، تاکتیک بکارگیری اسلحه برای واداشتن رژیم به مذاکره به هدف خود دست نیابد و حتی رژیم در همه مقاطع تلاش کرده است که این تاکتیک را به نوعی در خدمت سیکل خشونت خود قرار دهد.

اگر بخواهیم این مسئله را تبیین کنیم، باید اظهار داشت که بکارگیری اسلحه به‌شیوه‌ای که تنها بخش رویین سرکوبگران در سیبل آن قرار داشته باشد، مسبب آن شده است که خشونت‌های حاصل از این منطق به پتانسیل خود ترمیمی بخش رویین سرکوبگران تبدیل شود و در این میان اگر یکی از عناصر و عوامل سرکوب در کوردستان به شیوه‌ای فیزیکی حذف می‌شود، این پایان نه تنها امیدی برای پایان سرکوب نبود، بلکه به پتانسیلی برای ترمیم همان بخش سرکوب تبدیل میشود؛ چون اولاً فرد حذف شده در جامعه کوردستان از روابط فAMILIی برخوردار بوده و حذف او مسبب آن می‌شود به نوعی این رابطه فAMILIی عطف به طرف رژیم پیدا کند، همزمان با آن می‌دانیم که رژیم از سیستم رانت برای وابستگی بیشتر این نوع خانواده‌ها به خود استفاده می‌کند.

دوما بخش زیرین سرکوب از این قدرت برخوردار است که خشونت ایجاد شده در پی سرکوب را به سیکل سرکوب تزریق کند و در عین حال بخش زیرین سرکوب به دلیل آنکه خود مخاطب قرار نمیگیرد، از هرگونه آسیب دیدگی محفوظ هست؛ به همین دلیل به آسانی میتوانند ترس حاصل از این خشونت که به امید تغییر رفتار بخش رویین سرکوب و با رشادت‌های فراوان ایجاد شده است را کنترل و هدایت نماید.

حال برای ساده شدن بحث، مثالی مطرح می‌کنم:

بسیاری از عوامل جمهوری اسلامی و حتی بخش اعظم مردم ایران ادعا دارند که ”کوردها سر می‌برند“ و آنها حتی مدعی هستند، خود اجساد کسانی را دیدہاند که سر آنها از نشان جدا شده است و این اجساد سر همراهشان نبوده است.

این مسئله در حالی مطرح است، که مقاومت کوردها با اسلحه گرم بود، نه چاقو و چیزهای

برنده سرد و جدا از این مسئله در مقابل که نیروی سرکوبگر حضور دارد. خود این نیروی سرکوبگر نیز مجهز به انواع اسلحه گرم و به مراتب پیشرفته بوده و هست، پس چرایی سرهای بریده را باید در کجا جست؟!

حتما در جواب ادعا میشود، که بعد از کشتن سر آنها را میبریدند، این ادعا خالی از واقعیت است چون **یک:** بسیاری مواقع افراد دستگیر شده توسط احزاب کوردی بدون حتی تبادل زندانی، آزاد می‌شدند و در حالت‌هایی هم با زندانیانی مبادله می‌شدند، اگر قرار بر سربریدن اعضاء سپاه پاسداران بود چرا این افراد سربریده نمی‌شدند؟! **دو:** یک چریک از لحاظ زمانی در محدودیت و تنگنا است، پس حتی اگر هم بخواهد زمان آن را در سربریدن اعضاء سپاه پاسداران بود چرا این افراد سربریده نمی‌شدند؟! و به چه کار آن چریک می‌آید؟!

موضوعی که این مسئله را تفسیر آمیزتر میکند این است که حمل یک سر که وزن آن ۱۰ تا ۱۵ کیلو است جدا از چندش آور بودنش قابل انجام نیست چون مهمترین مسئله برای یک چریک مسئله وزن اشیاء مورد نیازش است. این وزن باید قابل حمل باشد و تا عملکرد چریک را کاهش ندهد.

اما باز هم سرهای بریده یک توهم نبود. چون و در واقع کسانی که تنها حسرت و داغ دیدنش برای آنها مانده بود این ادعا را

میکردند.

واقعیت این است که سرهای بریده وجود داشت. اما فاعل آنها کوردها نبودند، بلکه همان بخش زیرین سرکوب کوردستان بود، که این سرها را میبرد و چرایی این رفتار به دو دلیل بود:

یک: لاپوشانی خشونت‌های سرکوب کوردستان بدین مفهوم که آنها برای توجیه حجم خشونت‌های خود در کوردستان باید القاء میکردند که حجم خشونت بکارگیری توسط کوردها بسیار بیشتر است و آنها تنها مقابله به مثل کرده‌اند.

دو: بخش زیرین سرکوب از این مطمئن بود، که احساسات و رفتارهای حاصل از این نوع خشونت را به دلیل عقبه دینی میتواند هدایت کند، براساس همین اطمینان بود، که بعدها نسخه بکارگیری خشونت، برای کلیه مخالفین و حتی موافقینی که سد راه در تصاحب قدرت پنداشته میشوند، پپچیده شد. در واقع بخش زیرین در پروژه سرهای بریده تنها از یک فرهنگ دینی سوءاستفاده کرده بود و آن فرهنگ عاشورا و مرگ حسین بن علی امام سوم شیعه‌ها بود. کما اینکه در این اواخر رژیم برای توجیه حضور خود در سوریه از همین ترفند مجددا استفاده کرد و نظام پروپاگاندای رژیم اعلام کرد که محسن حججی سربریده شده است. جا دارد اشاره کنیم که انقلابها توانایی بالایی در خرج نیروهای خود دارند، و صد البته این مسئله اگر به آن، حمایت از سرکوب کوردها از طرف ناسیونالیستهای تمامیتخواه و متوهمین مدافع

”تمامیت ارضی“ اضافه شود، طبیعی است که قدرت سرکوب و هدایت خشونت‌های حاصل از سرکوب و مقاومت بسیار بالا میرود.

اما نسخه سرکوب و تزریق خشونت مختص به زمانی مشخص و حتی ملت و جریانی مشخص نیست، بلکه حال هم این رویه با همان متد و در مورد هر مخالف احتمالی‌ای تداوم دارد.

عدم آسیب پذیری بخش زیرین عوامل سرکوب و نیز فرهنگ (حاکمیت از آن کسی است که قدرتمندتر باشد) شرایطی را فراهم کرده است، که رویکرد مقاومتی بکارگیری اسلحه در راستای تاکتیک تلاش برای تغییر رفتار حاکمیت به شکست منجر شود.

پس ”چه باید کرد؟“ قبل از آن بگذارید به سطور اولیه نوشته برگردیم، بحث بر سر شکلگیری دو رویکرد بود و ما تنها به بررسی یک رویکرد پرداختیم.

رویکرد دوم که تلاش داشت با سازش کردن با خمینی به خواسته‌های خود برسد، به سرنوشتی تراژیک دچار شد.

این رویکرد هرگز نتوانست رفتار خود را در چهارچوب جمهوری اسلامی تثویزه کند و با تاکید بر خواست و تئوری گروه اول در تلاش بود، در چهارچوب ولایت فقیه دستاوردهای داشته باشد، اما تا حال در تضاد سرکوب_تفاهم بسر میبرد.

سیکل سرکوب_ تفاهم بدین مفهوم که خود ادعای تفاهم با جمهوری اسلامی دارد، در حالی که هم سرکوب میشود هم دستاوردی

نداشته و ندارد.

جدا از دستاوردهای شخصی که هم مقطعی بوده و هم چیز اهمیت داری نبوده‌اند، بیشتر در قالب تطمع فردی می‌گنجد تا هر مسئله دیگر مهمترین دستاورد عمومی این رویکرد که اسلحه را به دلیل پرهیز از خشونت و عدم تناسب قدرت نظامی بین خود و گروه سرکوب کنار گذاشته بود، انتشارات دولتی صلاح الدین ایوبی در ارومیه بود، این انتشارات با اختصاص بخشی از بودجه امنیتی و همچنین نظارت ارگان امنیتی اطلاعات اداره میشد.^(۱)

وسعت سرکوب، نظارت، سانسور و عدم امنیت برای دست اندرکاران این انتشارات در سطحی بود که تمام افتخار و دستاورد این انتشارات را در تولید چند متن ادبی و باز نشر چندین کتاب با ژانر ادبیات میتوان خلاصه کرد. دستاوردی که در عصر اطلاعات آزاد دیگر حتی در گوشه از تاریخ هم جایگاه نخواهد داشت.

انتشارات صلاح الدین ایوبی بعد از اطمینان نسبی از سکوت اسلحه مبارزان گروه اول با پرسش و چالش‌های از طرف بخش زیرین سرکوبگران روبرو شد، در ابتدا، آنها چرایی حضور این انتشارات در ارومیه را مطرح کردند و پس از انتقال آن به سنه و بعدا مسئله بودجه و هزینه‌های جاری آن را بحث کردند و دست آخر در بیصدایی به تاریخش سپرده‌اند.

پس در واقع انتشارات صلاح الدین



ادامه صفحه ۴

ایوبی دستاوردی حاصل تلاش گروه دوم نبود، بلکه طرحی از آن بخش زیرین سرکوب بود که برای سرکوب گروه اول طراحی شده بود و تنها گروه دوم در آن نقش حضوری داشت، این نقش تعیین کننده و راهبردی نبود. (خواننده میتواند برای درک بیشتر این مسئله به مصاحبه آقای فاروق کیخسروی با هفته‌نامه کوردی «وشه» درج در ۱۲ می ۲۰۱۶ مراجعه کند)

از لحاظ حضور سیاسی و اجتماعی هم کلیه افراد وابسته به این گروه هیچ حضور محسوس و غیره محسوس در ساختار قدرت نداشتند، و بیشتر به منتقدین جریان اول در رسانه‌ها مختلف تبدیل شدند، و همین مسئله مسبب آن شد که آنها در اجتماع ایزوله شوند.

در حال حاضر باید اظهار کرد هر دو رویکرد مبارزان کورد با بن بست یا شکست روبرو شده است، و برای خروج از این بن بست در گام اول باید مبارزه را از قالب مقاومت خارج کرده و به مقابله با تمام عوامل سرکوب، اعم از عوامل رویین و عناصر زیرین تبدیل کرد. برای شناسای تمامی عوامل سرکوب باید ابعاد خشونت و انواع خشونت را شناسایی کرده و برای هرکدام راهکاری مناسب و عملی طرح نمود. شناسایی ابعاد و نوع خشونت حاکمان تهران در کوردستان گام نخست، برای مقابله با خشونت موجود است، پس از شناسایی انواع خشونت باید گفتمان مبارزات کوردستان از مقاومت به مقابله تغییر کند؛ چون مقاومت در برابر سرکوب شاید در دیدگاه ارزشی قابل تقدیر باشد، اما به مفهوم پایان سرکوب نیست ، بلکه تنها مسبب ایجاد حصار خلوتی برای سرکوب میشود، در چنین شرایطی الزامی است که گفتمان مقاومت به گفتمان مقابله تغییر کند، چون هدف اصلی مبارزات کوردستان پایان خشونت و سرکوب در کوردستان است ، نه مقاومت کردن صرف در برابر این خشونت و سرکوبهای موجود.

بررسی خشونت ایران علیه کوردستان

در ابتدا لازم است، کلمه خشونت را توضیح دهم.

خشونت در سپهر عمومی از معناهای متفاوتی برخوردار است، گاهن به عنوان یک استعاره نیز در بین گفتگوها روزانه بکار گرفته میشود، اما در این نوشته خشونت عبارت از «نیتی است که قصد تغییر اجباری در رفتار، خواسته و منافع گروهی را داشته باشد و یا مستقیم و غیرمستقیم به اعضاء این گروه آسیب روانی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی برساند».

آنچه در ایران «مسئله کورد» خوانده میشود، در واقع تلاشی خشونت‌آمیز برای برهم زدن منافع یک ملت است و در واقع مبارزه کوردستان علیه این تلاش خشونت‌آمیز است، که یک طرف آن را با اسماء مختلف از جمله «مسئله کورد» و طرف مقابل آن را مبارزات ملی-دمکراتیک می‌خواند.

برای تبیین بیشتر این تقابل باید ابتدا زمینه خشونت علیه کوردستان در ایران را بررسی

گروهی از نیروهای امنیتی ایرانی در یک عملیات در استان کردستان.

یک نیروی امنیتی ایرانی در یک عملیات در استان کردستان.

یک نیروی امنیتی ایرانی در یک عملیات در استان کردستان.

یک نیروی امنیتی ایرانی در یک عملیات در استان کردستان.

یک نیروی امنیتی ایرانی در یک عملیات در استان کردستان.

یک نیروی امنیتی ایرانی در یک عملیات در استان کردستان.

یک نیروی امنیتی ایرانی در یک عملیات در استان کردستان.

یک نیروی امنیتی ایرانی در یک عملیات در استان کردستان.

یک نیروی امنیتی ایرانی در یک عملیات در استان کردستان.

یک نیروی امنیتی ایرانی در یک عملیات در استان کردستان.

یک نیروی امنیتی ایرانی در یک عملیات در استان کردستان.

یک نیروی امنیتی ایرانی در یک عملیات در استان کردستان.

یک نیروی امنیتی ایرانی در یک عملیات در استان کردستان.

یک نیروی امنیتی ایرانی در یک عملیات در استان کردستان.

یک نیروی امنیتی ایرانی در یک عملیات در استان کردستان.

یک نیروی امنیتی ایرانی در یک عملیات در استان کردستان.

یک نیروی امنیتی ایرانی در یک عملیات در استان کردستان.

یک نیروی امنیتی ایرانی در یک عملیات در استان کردستان.

یک نیروی امنیتی ایرانی در یک عملیات در استان کردستان.

یک نیروی امنیتی ایرانی در یک عملیات در استان کردستان.

یک نیروی امنیتی ایرانی در یک عملیات در استان کردستان.

یک نیروی امنیتی ایرانی در یک عملیات در استان کردستان.

مسئله «تجزیه‌طلبی» در افکار عمومی ایران سرکوب ملت‌های غیرفارس را به گذاره‌ای مشروع تبدیل کرده‌اند.

در واقع تمامیت ارضی در سپهر سیاسی ایران نه یک واقعیت جغرافیای تاریخی است و نه حتی یک نگاه در برابر زیاده خواهیهای بین‌المللی ، بلکه کلان هنجاری است برای ماندگاری قدرت در دست حاکمان فارس و مشروعیت بخشی به سرکوب مردمان غیرفارس. پس تجزیه ایران یا آن سویه سکه یعنی حفظ تمامیت ارضی در واقع گذاره‌ای است که توسط حاکمان دارنده هویت فارس_شیعه مطرح شده و به سیکل سرکوب و تمامیت‌خواهی تزییق می‌شود.

حاکمیت ملی ایران

دومین کلان هنجاری که پایه خشونت علیه کوردستان در آن قرار دارد، حکومت، قوانین و نهادهای وابسته به آن است که کلیتی به نام «حاکمیت ملی ایران» را تشکیل می‌دهد، حکومت در ایران استراتژی خود را بر اساس تحقق «ملت ایران» که پایه‌های آن بر هویت فارس_تشیع قرار دارد، تعریف می‌کند.

همزمان حاکمان ایران در ۱۰۰ سال گذشته برای رسیدن به این مطلوب خود بر تمرکز قدرت در دست مرکز بیشینه فارس و سلب قدرت از حاشیه بیشینه غیره فارس تاکید دارند.

در این بین آنچه حاکمیت ملی در ایران خوانده میشود، در واقع سلب حق از گروههای اتنیکی دیگر است، لازم به یادآوری نیست که بخشی از سلب حق‌ها از کوردستان که در چهارچوب خشونت علیه کوردستان قرار دارد، در قانون اساسی جمهوری اسلامی و نیز قانون اساسی مشروطه کاملاً شفاف مطرح شده است. از جمله می‌توان به مسئله زبان رسمی و دینی رسمی اشاره کرد.

در این میان باید توجه کرد که وقتی حاکمیت ملی در عمل سلب حق از یک گروه و واگذاری تمامی قدرت به گروهی دیگر است، پس تمامی ارگان‌های این حاکمیت ملی اعم از پارلمان، قانون اساسی، دولت، حکومت، نهادهای علمی، نهادهای نظامی، قضایی و امنیتی در واقع در راستای تحقق بیشتر سلب حق یک اتنیک و واگذاری آن به اتنیکی دیگر عمل می‌کند. کما

اینکه ما دیده‌ایم که نهادهی مانند دانشگاه تهران متن کتیبه‌ای که منشور کوروش خوانده می‌شود را سیستماتیک غلط به زبان فارسی ترجمه کرده است، یا قوانین در ایران در راستای بحاشیه راندن گروههای اتنیکی غیرفارس طراحی شده است.

زبان فارسی و تشکل‌های دینی سومین کلان‌هنجاری که پایه‌های اصلی خشونت علیه کوردستان را تشکیل می‌دهد، زبان فارسی و تشکل و نهادهای دینی وابسته به پیروان دین تشیع است.

یک نیروی امنیتی ایرانی در یک عملیات در استان کردستان.

یک نیروی امنیتی ایرانی در یک عملیات در استان کردستان.

یک نیروی امنیتی ایرانی در یک عملیات در استان کردستان.

یک نیروی امنیتی ایرانی در یک عملیات در استان کردستان.

یک نیروی امنیتی ایرانی در یک عملیات در استان کردستان.

یک نیروی امنیتی ایرانی در یک عملیات در استان کردستان.

یک نیروی امنیتی ایرانی در یک عملیات در استان کردستان.

یک نیروی امنیتی ایرانی در یک عملیات در استان کردستان.

یک نیروی امنیتی ایرانی در یک عملیات در استان کردستان.

یک نیروی امنیتی ایرانی در یک عملیات در استان کردستان.

یک نیروی امنیتی ایرانی در یک عملیات در استان کردستان.

یک نیروی امنیتی ایرانی در یک عملیات در استان کردستان.

یک نیروی امنیتی ایرانی در یک عملیات در استان کردستان.

یک نیروی امنیتی ایرانی در یک عملیات در استان کردستان.

یک نیروی امنیتی ایرانی در یک عملیات در استان کردستان.



یک نیروی امنیتی ایرانی در یک عملیات در استان کردستان.

یک نیروی امنیتی ایرانی در یک عملیات در استان کردستان.

یک نیروی امنیتی ایرانی در یک عملیات در استان کردستان.

یک نیروی امنیتی ایرانی در یک عملیات در استان کردستان.

یک نیروی امنیتی ایرانی در یک عملیات در استان کردستان.

یک نیروی امنیتی ایرانی در یک عملیات در استان کردستان.

یک نیروی امنیتی ایرانی در یک عملیات در استان کردستان.

یک نیروی امنیتی ایرانی در یک عملیات در استان کردستان.

یک نیروی امنیتی ایرانی در یک عملیات در استان کردستان.

یک نیروی امنیتی ایرانی در یک عملیات در استان کردستان.

یک نیروی امنیتی ایرانی در یک عملیات در استان کردستان.

یک نیروی امنیتی ایرانی در یک عملیات در استان کردستان.

یک نیروی امنیتی ایرانی در یک عملیات در استان کردستان.

یک نیروی امنیتی ایرانی در یک عملیات در استان کردستان.

یک نیروی امنیتی ایرانی در یک عملیات در استان کردستان.

یک نیروی امنیتی ایرانی در یک عملیات در استان کردستان.

یک نیروی امنیتی ایرانی در یک عملیات در استان کردستان.

یک نیروی امنیتی ایرانی در یک عملیات در استان کردستان.

یک نیروی امنیتی ایرانی در یک عملیات در استان کردستان.

یک نیروی امنیتی ایرانی در یک عملیات در استان کردستان.

یک نیروی امنیتی ایرانی در یک عملیات در استان کردستان.

یک نیروی امنیتی ایرانی در یک عملیات در استان کردستان.

۳۰ تیر ۱۳۳۱ را با اعتراضات سال ۸۸ که به نوعی از یک سنخ هستند مقایسه کنید، تا ابعاد مسئله نمایان شود.

خشونت عریان:

نمایان ترین نوع خشونت علیه جامعه کوردستان از طرف حاکمان بکارگیری قدرت فیزیکی جهت تغییر در رفتار، خواسته و اهداف جامعه کوردستان و همچنین اعمال سلطه برآن است؛ این نوع خشونت را خشونت عریان نامیدام ، چون ساختار آن برای مردم محسوس و نتایج آن از عینیت بیشتری برخوردار است، در ضمن نتایج این نوع خشونت از لحاظ زمانی زودتر تحقق می‌یابد.

در ۱۰۰ سال گذشته بارها حاکمان تهران به کوردستان لشکرکشی کرده‌اند تا از این طریق سلطه و سیاست‌های خود بر جامعه کوردستان اجرایی کنند.

این نیروی نظامی از تمامی امکانات حکومتی برای اعمال سلطه خود استفاده می‌کند و در سطح افکاری عمومی و سپهر سیاسی بکارگیری خشونت عریان علیه جامعه کوردستان با عناوین همچون «دفاع از تمامیت ارضی» ، « کسب امنیت» و «اعمال حاکمیت» لا‌پوشانی می‌شود.

این نوع خشونت مشروعیت و قدرت خود را از خشونت سیستمی کسب می‌کند، اما چون فرم آن پنهان نیست در چهارچوب خشونت سیستمی صرف قرار نمی‌گیرد. خشونت عریان البته شامل جنگ پنهان امنیتی اعم از آماده‌کاری برای ترور و نیز تهدیدات سایبری هم میشود، چون نتایج این نوع پنهانکاری عیان و زودحاصل است.

خشونت قضائی:

نظام قضائی و ساختار دادگاه در ایران به بخشی از خشونت علیه کوردستان تبدیل شده است، این مقوله جدا از مسئله فساد ساختاری موجود در بطن نظام قضائی ایران است.

خشونت قضائی موجود در نظام قضائی ایران، که علیه جامعه کوردستان اعمال میشود، بخشی از اهداف نظامند آن نظام است. پس آن را نمی‌توان در بخش فساد ساختاری گنجاند. برای مثال در هنگام دادگاهی یک فعال سیاسی کورد یک نفر به عنوان نماینده وزارت اطلاعات یا سازمان اطلاعات سپاه در سالن دادگاه حضور دارد و همچنین قاضی به خود اجازه می‌دهد که بر اساس «رای کارشناس فنی» که در واقع نظر بازجو و نهادهای امنیتی است رای صادر کند.

پس در واقع نظام دادگاهی و ساختار قوه قضائیه کاملاً در اختیار حاکمان فارس قرار دارد و در راستای تحقق «ملت ایران » عمل می‌کند.

این فرم از خشونت نیز مشروعتر خود را از خشونت سیستمی کسب می‌کند، اما باتوجه به عریانی آن و نیز تفاوت در نوع اعمال آن خود یک فرم مجزا از خشونت سیستمی است که در بالا شرح آن رفت.

قازی محمد و یارانش توسط یک دادگاه به اعدام محکوم شدند و بعدها هم همین دادگاههای بودند که در دوره پهلوی دوم صدها فعال سیاسی کورد را به زندان کشاندن و در دوره جمهوری اسلامی نیز

یک نیروی امنیتی ایرانی در یک عملیات در استان کردستان.

یک نیروی امنیتی ایرانی در یک عملیات در استان کردستان.

فعالان سیاسی و مدنی کوردستان ایران: راه‌حل مسئله کورد مذاکره است

شماری از فعالان سیاسی و مدنی کوردستان ایران ضمن محکومیت حملات رژیم ایران به مناطقی در کوردستان به بهانه حضور پیشمرگه از سازمان‌های جهانی و منطقه‌ای خواستار شد که برای حل مسئله کورد از طریق مذاکره اقدام نمایند.

متن نامه بدین شرح است:

به شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد

سازمان دیده بان حقوق بشر

سازمان عفو بین الملل

حکومت اقلیم کوردستان

در هفته‌های گذشته نیروهای نظامی جمهوری اسلامی به بهانه حضور نیروهای احزاب کوردستان

ایران، مناطق مرزی و روستاهای این مناطق را توپباران کرده که در نتیجه آن محیط زیست، مزارع، باغ‌ها و دام این روستانشینان دچار آسیب های جدی شده و خسارت‌های مادی فراوان بر جای گذاشته است. برخورد‌های سخت افزاری و نظامی نشان داده چاره کار نیست و تجربه تاریخی ایتربودن شیوه‌های سخت افزاری و نظامی محور را نشان داده است و آزموده را ازمودن خطاست.

ما شماری از فعالان مدنی و سیاسی و حقوق بشری کوردستان ایران ضمن اظهار تاسف از بمباران روستاها و همدردی با آسیب دیدگان از مجامع بین المللی حقوق بشری و نیز دولت اقلیم کوردستان به عنوان میانجی می

خواهیم با گفتگو با طرف های درگیر برای حل مسالمت آمیز مساله کورد اقدام نمایند. ما بر این باوریم که خشونت، خشونت می آفریند و بازتولید رفتارهای هزینہ‌بار گذشته دستاوردی جز تولید کینه و نفرت نخواهد داشت. پس طرف های درگیر با حضور و نظارت نهادهای بین المللی حقوق بشری و با وساطت حکومت اقلیم کوردستان بر سر میز گفتگو بنشینند تا صدای تفنگ‌ها و بمب‌ها خاموش شود.

امضاکنندگان:

کاک حسن امینی، زارا محمدی، سیاوش حیاتی، ماجد مردوخ روحانی، محمد سعید نجاری(تاسو)، خالد سلیمانی

موجود در رسانه‌های فارسی علیه کوردستان را می‌تواند در چهارچوب خشونت زبانی قرار داد. کمتر رسانه فارسی موجود است که حتی در خارج از اراده جمهوری اسلامی فعالیت کند و سالانه چندین بار از اصطلاح «تروریست» برای شناساندن احزاب و جریانات کوردی استفاده نکند، همین رسانه‌ها تقریباً تمامی متدهای جنگ روانی و جنگ رسانه‌ای را علیه کوردستان بکار می‌گیرند. این نوع خشونت نیز در قالب خشونت زبانی یا خشونت معنای قرار می‌گیرد.

هدف اصلی از اعمال این فرم از خشونت زبانی این است که اراده مصمم مردم کوردستان به مقابله با خشونت عریان را در هم بشکند. هم همزمان کورد بودن را نوعی «عار» بخواند که برای نجات از این «عار» باید به ایرانی یا همان فارس تبدیل شود، توجه داشته باشید این نوع خشونت مسبب آن شده است که بعضی از خانواده‌ها برخوردار است و از سلب آموزش زبان مادری در مراکز رسمی آموزش شروع شده و تا تمرکز دانشگاه‌های بزرگ در مناطق خاص دامنه دارد.

خشونت زبانی:

عبارت از گذاره، استعاره، جوک ، بازیهای زبانی و سیاست‌های رسانه‌ای که به شیوه کاملاً سیستماتیک در بین مردم ترویج می‌شود. هدف اصلی این نوع خشونت القاء نوعی ضد ارزش علیه هویت کوردستانی در بطن جامعه کوردستان است.

«غیرتی» ، «متعصب» و «پشت کوهی» خواندن کوردها، بخشی از خشونت زبانی جامعه ایران علیه کوردستان است که روزانه توسط کاربران زبان فارسی علیه کوردستان تولید و ترویج میشود. این فرم از خشونت زبان در جامعه ایران پیشتر رو به جامعه تورک و لور بکار گرفته میشود. سیاست رسانه‌ای و جنگ نرم

اذر(شه‌ویندار)، رثوف کریمی، اجلال قوامی، محسن رضوی، حامد فرازی، ناصر وحیدی، علی دلاویز، محمود مبارکشایی، عبدالله سهرابی، موسی امیدیی، علی اشرافی، صالح سوزنی، سید قاسم ارژنگ،عمر مولودی، احسان نیک پی ایلامی، صدیق رستمی، صلاح پزشکی، جمال مروتی، کاوه اشعری، فرید نیک نفس، کمال شریف گیلانی، آکام امینی، عثمان نوری، مسعود کوردپور،سعید زکی، یوسف حاجی خوش، اسماعیل سید محمودیان، بیژن رحمانی، امید مصطفی پور، دلیر اسکندری، سید عبدالله سعدنی، اردشیر غلامیپور، ابراهیم ناصری، وریا قادریان، احد رضا بابایی، محمد بیکه‌س، آزاد لطف

پوری، محمود محمودی، عرفان حسینی، اردلان عزیزی، عبدالعزیز مولودی، جبار دستباز، سیدسلمان امام زنبیلی، حامد اسراری، کیوان کمانگر نسب، فرید راژین، حسن کریمی، سعید یارا، یاسر دواری، بهروز زارعی، کامبیز ابراهیم زاده، عبدالخالق جلالی، باقر پیری، مولود خوانچه زرد، اسعد وزیری، شاهو وزیری، گلاله احمدی، شرمین نوری، امیر فقیه سلیمانی، احمد مجیدی، صابر حق دوست، ناصر ابراهیمی، پیمان فخاری، شورش فتاحی، امید نوروزی، حشمت نویری، حسین سبحانی، حسن ناصری، ناصح باخشی، حمید رضا صمدی، هوشیاربابایی، اسعد باقری، آکو کردنسب، محسن مرادی، سیوان ابراهیمی، سوما

آنها هم وجود خشونت بیشتر در جامعه کوردستان است. نکته مهم در مورد بالا بودن خودکشی در کوردستان در این است که عامل اصلی این خودکشی‌ها سیاست‌های حاکمیت جهت آسیمیلاسیون است.

در ایران ما با سه سیستم جهت آسیمیلاسیون ملت‌های غیرفارس روبرو هستیم:

سیستم اول توسعه آمرانه(خشونت اقتصادی) است، در واقع آنچه توسعه در ایران خوانده می‌شود مجموعه‌ای از صنایع است که توسط حکومت در مناطق خاصی احداث شده است. این حکومت هم خواهان انجام آسیمیلاسیون است و هم یک هویت خاص را به عنوان هویتی استاندارد قانونی کرده است، در چنین شرایطی مناطق و هویت‌های که دارای این هویت نیستند، هم شامل توسعه نمی‌شوند و هم حکومت به آنها نگاه امنیتی دارد. بیاد داشته باشید که در ایران اقتصاد دولتی تاثیرگذارترین بازیگر موجود در نظام اقتصادی است.

دومین سیستم آسیمیلاسیون سیستم تحقیر غیرفارسیها(خشونت زبانی) است، این سیستم حتی توسط رسانه‌های رسمی هم ترویج می‌شود، کما اینکه بارهای دیده‌اید که در صدا و سیمای جمهوری اسلامی به گروهی اتنیکی توهین شده است، این مسئله وضعیتی را ایجاد کرده است که اعتماد به نفس جامعه‌های غیرفارس را پایین آورده و مسلماً با اعتماد به نفس پایین نمی‌توان به بحران‌های فردی بصورتی منطقی روبرو شد. سومین عامل مسئله نظام آموزش(خشونت آموزشی _علمی) است، همچنان که در بالا اشاره

فجایع محیط زیستی

برای تبیین بیشتر این بخش باید گفت علی‌رغم اینکه سالانه صدهای هزار هکتار از جنگل‌های کوردستان به دلایل مختلف طعمه حریق می‌شوند، اما نهادهای حکومتی نه تنها سیاستگذاری مشخصی برای جلوگیری از این مهم ندارند، بلکه حتی سازمانی در کوردستان نیست که دارنده امکانات بروز اطفاء حریق جنگل باشد. همزمان با آن شما توجه کنید که فعالین محیط زیست توسط سازمانهای امنیتی دستگیر می‌شوند و توسط سازمان‌های قضایی متهم و مجرم قلمداد می‌شوند و به زندان محکوم می‌شوند. همچنان هم که مستحضر هستید تا حال بالغ بر ۵ فعال محیط زیست در هنگام خاموش کردن جنگل‌ها شهید شده‌اند.

خشونت اجتماعی:

این نوع خشونت در واقع تابع و بازده خشونت‌های دیگر است، بدین معنی که یکی از بازده‌های خشونت‌های فوق مورد اشاره ایجاد ناهنجاری و یا گسترش ناهنجاری اجتماعی است که در قالب خشونت اجتماعی خود را نمایان می‌کند.

نرخ خودکشی در ایلام به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر ۱۳.۸ نفر است،^(۵) این آمار دو برابر نرخ متوسط ایران و بالاترین سطح در جهان است، اما این تمامی ماجرا نیست، ایلام از استان‌های بیکار ایران و جزء کم درآمدترین استان‌های نیز ایران نیز هست.

توسعه مرکز محور که در واقع طرحی برای تحقق «ملت ایران» است، مسبب گسترش فقر سیستماتیک و ایجاد خشونت اقتصادی و در پی آن نوع دیگر از خشونت را ایجاد و گسترش داده است که همان خشونت اجتماعی است، که نتایج آن در قالب افزایش میزان اعتیاد، طلاق، خودکشی، زورگیری نمایان می‌کند. برآیندی

کوردستان

شد نظام آموزشی ایران بر این مبناء طراحی شده است که در آن دانش‌آموزان برای حضور در یک حکومت توتالیتر آماده شوند. در این نظام تنها ایدلوژی حکومت اهمیت دارد و مسئله آموزش توانایی از اهمیتی برخوردار نیست، پس دانش‌آموز یا دانشجو این آمادگی را ندارد که بتوان بر اساس توانایی فردی کسب ثروت نماید و در این شرایط تنها فردی می‌تواند از زندگی مناسب برخوردار باشد که ثروت ارثی به او رسیده باشد.

کلیت این سیستم پیچیده خشونت در راستای سرکوب مردم کوردستان قرار دارد و نقش اصلی مبارزات هم بازدارندگی این سیستم خشونت است، پس در واقع ساختار مبارزات باید براساس مقابله با ساختار خشونت طراحی شود. در این بین مقاومت مسلحانه به دلیل گستردگی در میزان و نوع خشونت علیه کوردها باید تغییر کارکرد پیدا کند و به مقابله مسلحانه و علیه کلیت ساختار خشونت تبدیل شود. مشخص است که مقابله مسلحانه تنها ابزاری است که می‌تواند آرامش بخش زیرین سیستم خشونت علیه کوردستان را به چالش بکشاند و این بخش را ناچار کند که دست از خشونت علیه کوردستان بردارد. و تا زمانی که بخش زیرین سیستم خشونت در آرامش به تصمیمات خود پردازد ، نمی‌تواند امیدوار بود که سیستم خشونت علیه کوردها متوقف شود. بدین ترتیب مقابله مسلحانه ناچار را بخش زیرین سیستم خشونت جمهوری اسلامی که هدایتگر این سیستم هم هست را در سیبل خود قرار دهد.

منبع:

^[1] https://bit.ly/3mdCztA

^[2] https://www.aparat.com/v/X5O3k

^[3] https://bit.ly/3afqIDv

^[4] https://bit.ly/3B6FaoX

^[5] https://bit.ly/3iLa3d

کابینه تحریم شده رئیسی

KEY US = U.S. Specially Designated Nationals list EU = Subject to European Union sanctions UK = Subject to United Kingdom sanctions Interpol RN = Subject of Interpol Red Notice (International wanted persons notice) UN = Subject to sanctions by United Nations (on UNSCR 2231 list)					
 = Designated individual					
 Hojjat-ol Eslam Seyyed Ebrahim Raisi President  US					
 Mohammad Mokhber First Vice President  US	 Gholamhossein Esmaili Chief of Staff  EU and UK	 Javad Sadatinejad Minister of Agriculture Jihad	 Hossein Amir-Abdollahian Minister of Foreign Affairs	 Issa Zarepour Minister of Information and Communications Technology	 Hojjatollah Abdolmaleki Minister of Labor, Cooperatives, and Social Welfare
 Mohammad Mehdi Esmaili Minister of Labor, Cooperatives, and Social Welfare	 Seyyed Hamid Sajjadi Hazaveh Minister of Sport and Youth	 Brig Gen. Rostam Ghassemi Minister of Roads and Urban Development  US, EU, and UK	 Brig Gen. Ahmad Vahidi Minister of Interior  US, EU, UK, and Interpol RN	 Seyyed Ehsan Khandoozi Minister of Economic Affairs and Finance	 Ali-Akbar Mehrabian Minister of Energy
 Amin Hossein Rahimi Minister of Justice	 Mohammad-Ali Zolfaghol Minister of Science, Research, and Technology	 Bahram Einollahi Minister of Health and Medical Education	 Brig Gen. Mohammad-Reza Gharaei Ashtiani Minister of Defense and Armed Forces Logistics  US	 Javad Oji Minister of Petroleum  US	 Hojjat-ol Eslam Seyyed Esmail Khatib Minister of Intelligence
 Seyyed Reza Fatemi Amin Minister of Industry, Mines, and Trade	 Seyyed Ezzatollah Zarghami Minister of Cultural Heritage, Tourism, and Handicrafts  US, EU, and UK	 Alireza Kazemi [caretaker] (Hossein Baghgoli rejected by Parliament) Minister of Education	 Maj Gen. Mohsen Rezaei Vice President for Economic Affairs  US and Interpol RN	 Seyyed Mohammad Hosseini Vice President for Parliamentary Affairs  EU and UK	 Mohammad Eslami Vice President and Head of Atomic Energy Organization  UN, EU, and UK
 Masoud Mirzakazemi Vice President and Head of Planning and Budget Organization	 Ensieh Khazali Vice President for Women and Family Affairs	 Mohammad Dehghan Vice President for Legal Affairs	 Seyyed Amir-Hossein Ghazizadeh Hashemi Vice President and Head of the Martyrs and Veterans Affairs Foundation	 Seyyed Sowlat Mortazavi Vice President for Executive Affairs  EU and UK	 Meysam Latifi Vice President and Administrative and Recruitment Affairs Organization

دارند. ایالات متحده آمریکا سازمان تروریستی خارجی معرفی کرده است، اما منابع رسمی ایران مدعی شدند که واشنگتن در صورت توافق جدید با ایران، این سازمان را از لیست سازمان‌های تروریستی خارج کند.

در جریان مراسم تأیید صلاحیت اعضای کابینه در مجلس، محمد باقر قالیباف، رئیس مجلس رازی را افشا کرد که، خامنه‌ای شخصا با انتصاب پست‌های کلیدی کابینه به ویژه پست‌های امنیتی و مخصوصا وزیر اطلاعات تأکید کرده است. نهایتا مجلس با همه وزيران پیشنهادی رئیسی به جز یک نفر موافقت کرد و رای اعتماد داد.

خامنه‌ای در صدد است تا با آن تحریم شدند از افزایش تنش‌های خارجی احساس آرامش و امنیت خاطر کند و برای جلب رضایت خارجی‌ها احتیاجی به تظاهر به مدرن و معتدل بودن ندارد.

نفت ایران از طریق نیروی قدس سپاه در زمان فرماندهی قاسم سلیمانی، مجددا تحریم کرد. قاسمی همچنین مشمول تحریم‌های هسته‌ای اتحادیه اروپا و بریتانیا است، اما بر اساس توافق برجام تا مورخ اکتبر ۲۰۲۳ از لیست تحریمی‌ها خارج شده است.

علاوه بر این، دو تن از اعضای کابینه رئیسی به علت مشارکت در حمله تروریستی سال ۱۹۹۴ به مرکز یهودیان (AMIA) در شهر بوئنس آیرس، کشور آرژانتین که منجر به کشته شدن ۸۵ نفر شد، تحت تعقیب پلیس اینترپل هستند. هر دو وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هستند. گرچه رئیسی همچون کابینه پیشین خود یک افسر ارشد ارتش را در پست وزیر دفاع گماشته، اما از اعضای کابینه رئیسی حداقل ۳ نفرشان دارای درجه نظامی سرتیپی در سپاه پاسداران هستند. چندین عضو دیگر کابینه یا با سپاه پاسداران همکاری داشته و یا رابطه نزدیکی با آن سازمان

رژیم و افشا شدن نقششان، تحت تحریم‌های منحصر به فرد آمریکا قرار گرفته و مجازات شدند. منجمله؛ محمد مخبر که معاون اول رئیس جمهور است، که قبلا ریاست یک شرکت بزرگ متعلق به رهبر ایران را با نام اختصاری «EIKO» را با ۳ نفر دیگر مشترکا بر عهده داشت.

برخی از اعضای کابینه دولت جدید رژیم به دلیل جنایات بیشمارشان مشمول تحریم‌های متعددی هستند. نمونه بارز آن‌ها رستم قاسمی است، سرتیپی از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، (سپاه نیرویی است که موازی با ارتش ایران فعالیت دارد). وزارت خزانه داری آمریکا سال ۲۰۱۰ رستم قاسمی را به علت فعالیت‌هایش در راستای گسترش سلاح‌های کشتار جمعی و بازوی مهندسی سپاه پاسداران، مورد تحریم قرار داد. وزارت خزانه‌داری آمریکا بار دیگر این بار در سال ۲۰۱۹ رستم قاسمی را به دلیل تلاش برای دور زدن تحریم‌های آمریکا و فروش

انجام شده در توافق نامه برجام که در سال ۲۰۱۵ تحقق یافت، ۳ نفر از تحریم شده‌گان را مطابق جدول بندی انجام شده، از لیست تحریمی‌های خود همزمان با لغو توافق برجام، خارج خواهند کرد. ۴ نفر تحریم شده نیز توسط طرفین اروپا و بریتانیا همچنان در لیست تحریم شده‌گان باقی خواهند ماند، چراکه علت تحریم شدنشان مرتبط با مسائل حقوق بشری بوده و هیچ ارتباطی به موضوع برجام ندارند. ۳ نفر از ۴ نفر تحریم شده هنوز توسط وزارت خزانه‌داری ایالات متحده تحریم نشده‌اند.

در حالی که رئیسی به دلیل نقشش در کشتار سال ۶۷ خورشیدی که منجر به اعدام هزاران زندانی سیاسی و مخالف رژیم ایران شد، از او به عنوان یکی از اعضای «کمیته مرگ» یاد می‌شود، رئیسی به دلیل این که خامنه‌ای پست دولتش را ارتقا داده بود، تحت تحریم‌های آمریکا قرار دارد. چندین عضو دیگر کابینه به علت فعالیتشان در شبکه گسترده رهبر

می‌باشد، وضعیتی که رژیم ایران در تاریخ خود تاکنون این چنین حالتی را به خود ندیده است. این اشخاص مشمول تحریم‌های هستند که ایالت متحده آمریکا، اتحادیه اروپا، بریتانیا و سازمان ملل به دلیل نقششان در شبکه‌های خامنه‌ای، حمایت از برنامه‌های هسته‌ای ایران، روابطشان با گروه‌های تروریستی و نقض حقوق بشر در لیست تحریمی‌ها قرار گرفتند. این ۱۲ نفر در پست‌های کلیدی همچون وزیر دفاع، وزیر کشور و وزیر نفت و دو نفرشان نیز به عنوان معاونان رئیس جمهور منصوب شدند.

۸ نفر از اعضای تحریم شده‌گان کابینه رئیسی توسط آمریکا و در لیست ویژه انفراد تحریم شده قرار دارند، ۷ نفر از آن‌ها توسط بریتانیا تحریم شدند، ۷ نفرشان به وسیله اتحادیه اروپا و یک نفر نیز توسط سازمان ملل متحد تحریم شده است. فهرست اتحادیه اروپا و بریتانیا مثل هم هستند و هر دو در اکتبر ۲۰۲۳ طبق زمان بندی

منبع:
بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها
مترجم:
آرمان حسینی

کابینه رئیس جمهور تازه گماشته ایران، ابراهیم رئیسی، با انتصاب افراد تندرو در پست‌های کلیدی و رهبری رژیم، گویای آمادگی و برنامه‌ریزی علی خامنه‌ای برای پروژه‌ای است که برای چند دهه برنامه‌ریزی کرده، منصوبان رئیسی شامل چندین نفر هستند که در دوران ریاست جمهوری محمود احمدی نژاد (۲۰۰۵ – ۲۰۱۳) نیز در خدمت رژیم بودند. احمدی نژاد هم خصومت فراوانی با غرب داشت و اعضای کابینه‌اش را از جانبازان امنیتی و نظامی تشکیل داده بود.

کابینه جدید رئیسی با انعکاس این صورت فلکی جدید قدرت، دارای ۱۲ عضو تحریم شده



شهید

ئاکام دەریایی

١٤٠٠ - ١٣٧٤